نقش رسانه‌های نوین در روند انقلاب‌ها

مطالعه موردی موج بیداری اسلامی در کشورهای عربی

دکتر حجت‌ا... مرادی[[1]](#footnote-1)؛ مهدی بیات[[2]](#footnote-2)

چکیده:

از اواخر سال 2010 در شمال آفریقا و در جهان عرب جریان‌هایی آغاز شده، که برخی از آنها به وقوع انقلاب در کشورهایی مانند تونس، مصر، یمن و لیبی منجر شد و در برخی دیگر مانند بحرین و عربستان، هنوز ادامه دارد. این موضوع توجه بسیاری از صاحب‌نظران و تحلیل‌گران در داخل و خارج منطقه را به خود معطوف داشته است. کارشناسان مختلف در چگونگی شکل‌گیری این تحولات دومینووار، عواملی متعدد از جمله نقش رسانه‌های نوین، حرکت جوامع به سوی فرآیند جهانی شدن، شکاف‌های‌ اجتماعی و طبقاتی موجود در کشورهای عربی، استبداد، دیکتاتوری، خودکامگی حاکم برجهان عرب، آغاز روند دمکراسی‌خواهی مردم منطقه، خیزش موج بیداری اسلامی مردم ناراضی این کشورها از به حاشیه رانده شدن دین و تضییع حقوق دینی آنها توسط حاکمیت و ناکارآمدی سیستم‌های سیاسی مستقر را برشمرده‌اند. یکی از نقاط مشترک این جنبش‌ها نقش رسانه‌های الکترونیکی نوین یعنی ماهواره و محیط‌های مجازی الکترونیکی، مانند شبکه‌های اجتماعی، پیامک‌های تلفنی و... در شکل‌گیری آنهاست. اگرچه نمی‌توان رسانه را عامل اصلی انقلاب دانست امّا آنچه مسلم است رسانه‌ها را در فرآیند وقوع این انقلاب‌ها از عوامل مهم و مؤثر برشمرده‌اند. این رسانه‌ها با ایفای نقش آگاه‌سازی، اطلاع‌رسانی و سازماندهی توانستند در میان عوامل تأثیرگذار در این انقلاب‌ها به چنان جایگاهی دست‌یابند که برخی، از این انقلاب‌ها با عناوینی چون انقلاب رسانه‌ای، انقلاب لب‌تاب‌ها، فیس‌بوکی و توییتری و... نام می‌برند. این مقاله سعی دارد با مطالعه برخی از این انقلاب‌ها نقش رسانه‌های ‌نوین را در وقوع آنها بررسی کند.

**واژگان کلیدی:** ارتباطات، رسانه‌های ‌نوین، انقلاب، بیداری ‌اسلامی، اینترنت، شبکه‌های ‌اجتماعی، موبایل.

در بررسی و تحلیل وقوع انقلاب‌های چند دهه اخیر در اروپای شرقی، آسیای میانه و کشورهای عربی، علل و عوامل متعدد دینی، سیاسی، تاریخی، هویتی، قومیتی، اجتماعی، اقتصادی و... نقش داشته‌اند. در عین حال نقش برجسته رسانه‌ها در شکل‌گیری این جریانات و تأثیر آنها‌ در به‌ نتیجه رسیدن این انقلاب‌ها قابل تأمل و بررسی است. در طول تاریخ، ارتباطات در اشکال مختلف یکی از ارکان پایه‌ای جنبش‌های اجتماعی بوده است. در دوره‌های ماقبل فناوری مدرن برای نمونه در زمان جنبش‌های کارگری اروپا، ارتباطات فیزیکی و رودررو بود. افراد جنبش در منزل، در کلوپ یا در یک میدان شهر به طور فیزیکی دور هم جمع می‌شدند. پیشرفت صنعت چاپ تحولی شگفت‌ا‌نگیز در ارتباطات به وجود آورد، به‌طوری که افراد لزومی به دیدار و ارتباط فیزیکی و رودررو نداشتند و از طریق جراید و روزنامه‌ها و شب‌نامه‌ها با هم ارتباط برقرار می‌کردند. با پیدایش رادیو و تلویزیون و اکنون با فناوری‌های جدید سرعت ارتباطات به درجه بالایی رسیده است. رسانه‌ها و وسایل ارتباطی ‌نوین و شبکه‌های ‌مجازی، نقشی بسیار مهم در تحرک جنبش‌های منطقه داشته‌اند.

رسانه‌های نوین با شکستن مرزهای زمانی و مکانی، میدان ابراز وجود انسان‌ها و گروه‌های به حاشیه رانده شده به شمار می‌روند. در جوامعی که راه‌های معمول برای بیان خواسته‌ها و اعتراض بسته باشد، شهروندان به کانال‌ها و شیوه‌هایی چون اعتراض‌های خیابانی یا رسانه‌های نوین مانند اینترنت و شبکه‌های اجتماعی رومی‌آورند. سازماندهی بسیاری از تجمع‌های سیاسی و اعتراضی در همین شبکه‌ها صورت گرفته است(ضیایی‌پرور،1388، صص 11-12). نقش شبکه‌های مجازی و اجتماعی به ‌حدی بود که برخی تحلیل‌گران از آن به‌عنوان انقلاب توییتری یا فیس‌بوکی یاد می‌کنند. بر این اساس باید گفت یکی از نقاط مشترک این جنبش‌ها نقش رسانه‌های الکترونیکی ‌نوین یعنی ماهواره و جوامع مجازیِ الکترونیکی، مانند شبکه‌های اجتماعی، پیامک‌های تلفنی و.... در شکل‌گیری آنهاست.

این جنبش‌ها بدون رهبری و عنصر نخبگی‌اند، ولی دارای خواسته‌های مشخصی‌اند و برای برآورده شدن این خواسته‌ها پیوسته و به‌طور روزمره در حال فعالیت و مبارزه به‌سر می‌برند؛ گرچه مبارزه آنها به‌طور فردی یا در ارتباط غیرفعال و تلویحی با دیگران صورت می‌گیرد. از آنجا که هزاران یا میلیون‌ها نفر مشغول فعالیت برای برآوردن درخواستی مشترکند و این افراد (از طریق رسانه‌های اجتماعی و اینترنت و فیس‌بوک و غیره) دارای پیوندی تلویحی و غیرمستقیم و به‌خصوص پیوند مجازی هستند، به نوعی خاص خصلت جنبشی هم پیدا می‌کنند.

پیشرفت و گسترش سریع فناوری ‌اطلاعات و ارتباطات در آستانه هزاره سوم بستری بسیار مطلوب برای بهره‌گیری در راستای تحقق انقلاب‌ها فراهم آورده است. گرایش مردم به رسانه‌های جمعی و شبکه‌های ارتباطی اینترنتی بر نفوذ و اثرگذاری آن در روندهای سیاسی - اجتماعی افزوده است؛ به‌گونه‌ای که رسانه‌ها به یکی از ابزار معمول و کاربردی در براندازی ساختارهای سیاسی تبدیل شده‌اند. انقلاب‌های اخیر کشورهای خاورمیانه نمونه‌های فراوانی از کارآمدی ابزار رسانه‌ای و ارتباطی را در به ثمر رساندن آنها، در حافظه دارند. کاربران رسانه‌های جمعی نوین همچون ایمیل و فیس‌بوک خودسوزی عزیزی در تونس را به یک اعتراض جمعی تبدیل کردند. در مصر نیز این الگو یا سرمشق تکرار شد، یعنی ایجادکنندگان اعتراض‌های خیابانی از طریق رسانه‌های جدید به ویژه فیس‌بوک و توییتر با هم ارتباط داشتند و اعتراضات را سازماندهی کردند. این نوع سازماندهی در روزهای بعد با وسعتی بیشتر ادامه پیدا کرد و هر روز بر تعداد تظاهرکنندگان افزوده ‌شد، ترس اعتراض‌کنندگان بیشتر ریخت و اعتماد به نفس بیشتری گرفته و به همین نسبت نیز حاکمیت را تضعیف کردند (کیا و محمودی،1390، صص18-21).

**ارتباطات**

به تعبير "ادومين امري" ارتباطات در معناي عام يعني "فن انتقال اطلاعات، افكار و رفتارهاي انساني از يك شخص به شخص ديگر". "چارلز كولي" نيز ارتباط را ساز و كاري مي‌داند كه از خلال آن روابط انسان‌ها برقرار شده و گسترش مي‌يابد. "ميكي ‌اسميت" نيز به‌طور مفيد و مختصر ارتباطات را اين‌گونه تعريف مي‌كند؛ «فرايند انتقال اطلاعات، احساس‌ها، حافظه و افكار در ميان مردم». به طور كلي ارتباطات، در برگيرنده روند مبادله اطلاعات به مفهوم عام و يا به عبارتي به مثابه پيوند و اجتماع ابزارها و تكنيك‌ها، برای انتقال اطلاعات تلقي مي‌شود(رضایی، 1389).

پس از انقلاب صنعتي و رشد روزافزون فناوري، حوزه عملكرد و مفهوم ارتباطات نيز متنوع شد، چنانكه در پايان قرن بيستم انقلاب سوم فناوري در حوزه ارتباطات و كيفيت اطلاعات گسترده قابل دسترس، آن هم به شيوه‌اي انقلابي و بي‌سابقه، زمينه‌ساز ظهور رسانه‌هاي ‌الكترونيكي در سطح جهاني شد. در چنين شرايط زماني، اينترنت، ماهواره‌ها و رسانه‌هاي گوناگون با انتقال اطلاعات هم‌‌زمان، معلومات و مبادله افكار و عقايد نقش زيادي در تحولات سياسي، اقتصادي، فرهنگي و اجتماعي دارند(رفيعي، 1382، ص13). به واسطه پيشرفت‌هاي فني ارتباطات و افزايش فرصت‌ها براي تعامل اطلاعات، كالاها و انديشه‌ها بيشتر، سريع‌تر و با هزينه كمتر مبادله مي‌شوند؛ بنابراين توانمندي‌هاي مردم براي برقراري ارتباطات اقتصادي، سياسي و اجتماعي گسترش يافته است.

انقلاب ارتباطات دگرگوني‌هاي عميق و گسترده‌اي را در زندگي انسان‌ها ايجاد كرده است. شبكه‌هاي رايانه‌اي، ماهواره‌ها، تلويزيون‌هاي جهاني، بسياري از مفروضات و اصول پيشين قدرت را به چالش طلبيده‌اند (هيبلزگري،1381، ص48) و چنان جغرافياي جديدي از مناسبات قدرت را در سطح جهان پديد آورده‌اند كه تا بيست سال پيش حتي تصورش هم ناممكن بود.

به اعتقاد "مانوئل كاستلز‌" در عصر ارتباطات، فاصله زماني و مكاني به واسطه گستردگي و پيچيدگي ابزارهاي اطلاع‌رساني محو شده و نظم طبيعي دوران قديم يا چارچوب‌هاي مكانيكي جهان صنعتي به يمن دانش اطلاعاتي از بين رفته است. بنابراین حضور در مكان معناي تازه‌اي به خود گرفته است كه مي‌تواند تعيين‌كننده ارتباط شخص با جامعه شبكه‌اي، يا طرد و حذف او از اين امكان فراگير و در عين حال انحصاري باشد(نصری،1381، ص355). در تعريفي كه از فناوري‌هاي ارتباطي- اطلاعاتي شده است، آن را "مجموعه‌اي از ماشين‌ها، يعني رایانه، تلفن‌ها، داده‌پردازها، روبات‌ها، ماهواره‌ها، تلويزيون‌هاي كابلي و غيره دانسته‌اند كه از طريق نرم‌افزار، فعال مي‌شوند".

### تأثیر رسانه‌ها بر حکومت‌ها

رسانه‌ها را نمی‌توان مانند سابق به داشتن چند نقش کلیشه‌ای از جمله سرگرمی، انتقال فرهنگ یا اطلاع‌رسانی صرف محدود کرد، بلکه همان‌طور که برخی معتقدند: رسانه‌های نوین ارتباطی (ماهواره‌ها و به ویژه اینترنت) با ایفای نقش آگاه‌سازی و اطلاع‌‌رسانی به مردم، بزرگ‌ترین چالش‌گر و تهدیدکننده‌ اقتدارگراییِ دولت‌های ملی و بدترین کابوس دیکتاتورها می‌باشند.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های فناوری‌های ‌نوین ارتباطی در عصر حاضر از نظر "مارشال مک‌لوهان"، سیاسی شدن و تشدید آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی انسان‌هاست، زیرا فناوری‌های ‌نوین آگاهی و بیداری سیاسی مخاطبان را بیشتر کرده است. بازتاب اخبار و رویدادها نقشی مؤثر در افزایش آگاهی سیاسی مخاطبان دارد. امروز در سایه پیشرفت‌های چشمگیر در زمینه فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، مرزهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بسیار آسیب‌پذیر شده است. به عبارت دیگر، با پیدایش جامعه‌ شبکه‌ای و اطلاعاتی، گونه‌های قدیمی سانسور منسوخ گشته و حاکمیت دولت بر رسانه‌های تازه ارتباطی و سانسور محتوای رسانه‌ها به‌گونه‌ای چشمگیر دشوار شده است. ماهواره‌ها، اینترنت و وب‌سایت‌های خبری و گروه‌های سیاسی مجازی، کمتر کنترل‌پذیر است. این فضای دیجیتالی و الکترونیک، همچون فضایی تمرکززدایی شده و آزاد است که هیچ ساختار اقتدارگرایی در آن نمی‌تواند نهادینه شود، زیرا نه مرکز ویژه‌ای دارد و نه مالک و دارنده خاص(سردارنیا، ۱۳۸۶، ص۱۱۱).

**پیشینة به‌کارگیری رسانه در انقلاب‌ها**

فناوری‌های ارتباطی- اطلاعاتی جدید از بدو شکل‌گیری، به چهره‌ای تأثیر‌گذار در منازعات تبدیل شده‌اند، به‌طوری که جنگ اول جهانی را جنگ روزنامه‌ای، جنگ دوم جهانی را جنگ رادیویی، جنگ ویتنام را جنگ تلویزیون‌های سیاه و سفید، جنگ دوم خلیج فارس را جنگ تلویزیون‌های ماهوارهای و جنگ سوم خلیج فارس را جنگ رسانه‌های مدرن نامیده‌اند(سوری، ۱۳۸۵، ص75). در تأیید نقش برجسته رسانه‌ها در انقلاب‌ها می‌توان به انقلاب اسلامی ایران اشاره کرد که از آن به‌ انقلاب نوار کاست یاد می‌شود یا به انقلاب بولدوزر صربستان اشاره کرد که بدون پوشش وسیع رسانه‌های جمعی داخلی و خارجی در کنار حضور فعال نهضت مقاومت جوانان (اتپور) و نهادهای غیردولتی و در نتیجه حضور توده‌های مردم در صحنه پیروزی این انقلاب محقق نمی‌شد. حضور فعال رسانه‌ها و اهمیت آنها در این انقلاب را از آنجا، می‌توان درک کرد که نام این انقلاب را انقلاب بولدوزر هم گذاشته‌اند. بولدوزری که مردم با آن دیوارهای اداره مرکزی رادیو و تلویزیون دولتی را خراب کردند. از طرفی استفاده از پیامک[[3]](#footnote-3) (شعارهایی چون ما همچنان مراقب رفتار شما هستیم) و شبکه‌ اینترنت در ارسال و انتقال پیام‌ها و برقراری ارتباط با دیگر اعضای گروه‌ها حاکی از نقش فعال رسانه‌ها و فناوری‌های ‌نوین ارتباطی در این انقلاب است. دانشجویان عضو این جنبش، ‌از طریق تلفن همراه و اینترنت، در شهرهای مختلف یوگسلاوی، شاخه‌هایی بدون ریاست، نامتمرکز و بدون خشونت تشکیل دادند(پورسعید، ۱۳۸۷، ص۱۰۳)، به‌طوری که وقتی مأموران میلوسوویچ دریافتند جنبش دانشجویی در حال ساماندهی یک مقاومت است، به یکی از اماکن ملاقات آنان حمله کردند و فریاد زدند: این اینترنت لعنتی کجاست؟ (بارسقیان، ۱۳۸۶، ص۳۱). آنها فکر می‌کردند با خراب کردن یک رایانه در یک محل می‌توانند این شبکه گسترده ارتباطی را برای همیشه از بین ببرند، یا در انقلاب گل ‌رز گرجستان در کنار تمام متغیرهای تأثیرگذار بر دگرگونی‌های گرجستان به تأثیر شبکه‌ تلویزیونی "روستاوی" در نشان دادن صحنه‌ای اشاره کرد که در آن "ساآکاشویلی" تنها به سرکشیدن لیوان آب رئیس‌جمهور کفایت کرد و با این عمل نمادین، پایان کار رئیس‌جمهور را در برابر رسانه‌های جمعی اعلام کرد. البته گرجستانی‌ها بهره‌برداری از رسانه‌ها را خیلی پیش از سقوط "شوارد نادزه" آغاز کرده بودند، جوانان و فعالان گرجی ایمیلی با این مضمون برای اتپورهای صربستانی ارسال کرده بودند: «دوستان عزیز، ما در اینجا در موقعیت پیش از انقلاب به‌سر می‌بریم. شما یک حکومت فاسد را با موفقیت از میان برداشتید. ما نیز همین را می‌خواهیم. آیا می‌توانید به ما بگویید چگونه این کار را انجام دهیم؟» (بارسقیان، ۱۳۸۶، ۳۱ص). صرب‌ها هم فیلم "دیکتاتور را سرنگون کنید" که گزارش سرنگونی میلوسویچ بود را برای جوانان گرچی فرستادند. همچنین در انقلاب نارنجی اوکراین پخش زنده اخبار توسط رسانه‌های جمعی از جمله عوامل مهم حضور توده‌های مردم در جنبش نافرمانی مدنی اکراین با وجود سرمای شدید بود. به طور کلی، اطلاع‌رسانی وسیع و گسترده شبکه‌های خبری غربی (بی.بی.سی، سی.ان.ان، یورونیوز) و همچنین کانال پنج اوکراین در خصوص انتشار اخبار مخالفت‌ها به نفع یوشچنکو و بزرگ‌نمایی آن علیه حکومت (کولایی، ۱۳۸۴، ص۱۱۲) به همراه،‌ بهره‌گیری از اینترنت و استقبال شدید جوانان از اینترنت و کافی‌نت‌های متعدد، نقش زیادی در بسیج فعالان جوان به جنبش نارنجی داشت.(حافظی، ۱۳۸۴، ص۱۱۶). بر طبق نظر "جاش‌گلدشتاین" از مرکز برکمن، در انقلاب اوکراین نقش مؤثر اینترنت و تلفن همراه به اثبات رسیده است. افراد و گروه‌های سازمان یافته از فناوری نوین دیجیتال برای کسب اطلاعات، برقراری ارتباط با یکدیگر، سازماندهی تظاهرات و گرد‌همایی‌های عمومی در قبال محدودیت‌های اعمال شده از جانب دولت به روند گردش اطلاعات بهره جستند(بای،1390، ص131). در انقلاب لاله‌ای قرقیزستان که در شرایط نابه‌سامان اقتصادی این کشور شکل گرفت، نقش رسانه‌ها به حدی بود که پس از آنکه یکی از روزنامه‌های مخالف دولت تصاویری از ساخت خانه‌ای مجلل (کاخ) برای عسگر آقایوف چاپ کرد، خشم عمومی در این کشور برانگیخته شد(شعیب، 1390، ص39).

**نقش رسانه‌ها در شکل‌گیری انقلاب‌ها**

مالاپارتی نقش رسانه‌ها را در هر گونه تحول انقلابی و تغیر رژیم مورد تأکید قرار می‌دهد. وی بر این اعتقاد است که می‌توان شاخصه اصلی هر گونه کودتای سیاسی یا انقلاب اجتماعی را بهره‌گیری از فضای رسانه‌ای دانست. رسانه‌ها خلق کننده واقعیت‌های مجازی در روند تغییر رژیم می‌باشند (متقی، 1389، ص17). رسانه‌ می‌تواند با مدیریت افکار عمومی در کنار عوامل دیگر باعث تغییر نظام سیاسی و به وجود آمدن انقلاب شود، زیرا این عقیده وجود دارد که اگر بتوان افکار عمومی را نسبت به موضوع یا پدیده‌ای قانع کرد یا به آن سمت و ‌سو و جهتی خاص بخشید، به یقین دولت‌ها نیز تحت فشار افکار عمومی به آن سو کشیده خواهند شد(ضیایی‌پرور، ۱۳۸۷، ص۱۳).

نقش رسانه‌ها و فناوری‌های ‌نوین ارتباطی– اطلاعاتی در عرصه سیاست کشورها گواه تأثیر رسانه‌ها بر شکل‌گیری حوادثی چون انقلاب‌های رنگی در اروپای شرقی و آسیای مرکزی و موج بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه و صدور این جریانات سیاسی به دیگر کشورهاست. از یک دیدگاه و مطابق آنچه از پیامدهای رسانه‌های الکترونیک جدید مطرح است، جهان وارد عصر دوم رسانه‌ها شده است که بر خلاف دوره‌ مدرن و عصر اول رسانه‌ها، آینده آن به‌طور کامل قابل پیش‌بینی نیست، زیرا عصر دوم رسانه‌ها که در آن بحث رسانه‌های الکترونیک جدید، حاکمیت دارند و اطلاعات حرف آخر را می‌زنند، پدیده‌ها کمتر پیش‌بینی‌پذیر شده‌اند(ضیایی‌پرور، ۱۳۸۷، ص۲۷۸).

انقلاب دیجیتالی در میکروالکترونیک، در فناوری اطلاعات و در رایانه‌ها موجب برقراری تماس‌های تقریباً آنی در سراسر جهان شده است. مهم‌ترین تأثیرات سیاسی فناوری‌های ارتباطی- اطلاعاتی تضعیف حکومت‌های اقتدارگرا، اشاعه‌ اطلاعات سیاسی و درگیرسازی مدنی با مشارکت سیاسی افراد و گروه‌هاست. در حقیقت، فناوری‌های ‌نوین ارتباطی و اطلاعاتی، تمام ابعاد حیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را تحت‌ تأثیر قرار داده است. شاید، هیچ تحولی را در عصر حاضر نتوان سراغ گرفت که از حیث ایجاد تغییر در حیات سیاسی و اجتماعی بتواند با این فناوری‌ها برابری ‌کند(سردارنیا، ۱۳۸۶، ص ۱۰۴). در حال حاضر، پیشرفت سیستم‌های ارتباطی جدید، دنیایی را پدیدآورده است که در آن ویژگی‌های مکان و فردیت همواره از طریق شبکه‌های ارتباطی منطقه‌ای و جهانی بازنمایی و دوباره تفسیر می‌شوند.

می‌توان گفت به مدد رسانه‌های ‌نوین ارتباطی– اطلاعاتی، جهان به دهکده‌ای مبدل شده که اطلاعات و رسانه‌ها، سیستم‌های عصبی و اجزای این دهکده را به هم متصل ساخته است. این فناوری‌ها شامل اینترنت، ماهواره، تلفن همراه، تلویزیون‌های کابلی رایانه خانگی و ویدئو هستند(سردارنیا، ۱۳۸۶، ص ۱۰۵).

کارکرد مهم رسانه‌های نوین که کنترل‌شان بسیار دشوار است، تأثیر بر افکار عمومی و بسیج آن است، به گونه‌ای که به واسطه‌ این رسانه‌ها، نوعی فضای مجازی شکل می‌گیرد و بسیاری از افراد بی‌آنکه یکدیگر را ببینند و تبادل نظر کنند، مانند یکدیگر فکر و در نتیجه مانند یکدیگر نیز عمل می‌کنند. در این صورت دیگر مانند گذشته، نیازی نیست که برای تبدیل افکار عمومی به نیروی اجتماعی و تغییر اوضاع سیاسی، به اهرمی مانند حزب سیاسی متوسل شد و اگر این تغییر در افکار عمومی پیدا شود، مردم در بزنگاه تاریخی، خودشان راه را باز می‌کنند و احتیاجی به اعمال نیرو، فشار و زور از طریق اهرم‌های جدا از مردم وجود ندارد(پورسعید، ۱۳۸۷، صص۱۰۹-۱۱۰).

"پالتر" کارکردهایی را برای فناوری‌های ارتباطی– اطلاعاتی نوین ذکر می‌کند و می‌گوید.

1. رسانه‌های نوین تریبونی برای بیان اهداف، ‌آرمان‌ها، ‌تجربه‌ها و فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی جنبش‌های اجتماعی است.
2. رسانه‌های نوین باعث شکل‌گیری، انسجام و تحکیم هویت جمعی و عمومی جنبش‌های اجتماعی می‌شوند.
3. رسانه‌های نوین منجر به بسیج نیروهای بالقوه در جهت حمایت از جنبش‌ها می‌شوند.
4. گسترش رسانه‌های نوین، می‌تواند بین جنبش‌ها و سایر عاملان سیاسی و اجتماعی همچون احزاب ‌سیاسی، ‌اتحادیه‌ها، دولت‌ها و فعالان سیاسی پیوندهای نمادین برقرار سازد.
5. رسانه‌های نوین می‌توانند در روابط درونی جنبش‌ها مؤثر واقع شوند و باعث تقویت انگیزه و روحیه‌ اعضا و هواداران جنبش می‌شوند و از مرگ آنها جلوگیری می‌کنند(پالتر، ۱۳۸۱، ص۴).

رسانه‌ها به عنوان یکی از مؤلفه‌های مؤثر– از به کار بردن پیامک و پست الکترونیک گرفته تا شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی ماهواره‌ای– در رهبری انقلاب‌ها نقش فعال ایفا کرده‌اند و با اطلاع‌رسانی و وصل گروه‌ها، احزاب و فعالان سیاسی اپوزیسیون به مخاطبان فعال و رهبران فکری مردم باعث پیشبرد اهداف سیاسی و ناتوان کردن حکومت‌های مستقر شده‌اند (سایت اداره کل آموزش و پژوهش معاونت سیاسی صدا وسیما، 12دی1389).

2**- رسانه‌های نوین و انقلاب‌ها**

### 3- اینترنت و انقلاب‌ها

اینترنت را می‌توان از محصولات دوران جنگ سرد و حاصل هراس وزارت دفاع امریکا از خطرهای جنگ هسته‌ای دانست. از سال 1997 با تجاری شدن اینترنت، خدمات آن به شدت تنوع و فزونی گرفت و هزینه‌های دسترسی به آن به همان نسبت کاهش یافت و تعداد مشترکین اینترنت و میزان بهره‌برداری از آن به صورت تصاعدی افزایش یافت. "پیتر فردیناند" معتقد است، ‌اینترنت به وضوح یک تهدید راهبردی درازمدت و قابل توجه برای رژیم‌های اقتدارگراست، ‌تهدیدی که این‌گونه رژیم‌ها را از مقابله‌ مؤثر ناتوان می‌سازد. اینترنت به‌عنوان یکی از فناوری‌های نوین ارتباطی نقشی گسترده‌ در شکل‌گیری انقلاب‌ها داشته است. همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، ‌مأموران دولتی صربستان به دنبال اینترنت می‌گشتند تا با خراب‌کردن آن، ‌ارتباط احزاب و جبنش‌های جوانان را قطع کنند؛ اینترنتی که با اتصال گروه‌ها به هم و رد‌ و‌ بدل کردن پست الکترونیکی باعث صدور انقلاب به دیگر کشورها شد. شاید بتوان اذعان کرد که اینترنت، امروزه جای نوارها و اعلامیه‌های چاپی را گرفته و به ابزاری مؤثر و گسترده برای مبارزات سیاسی و جنگ‌های رسانه‌ای تبدیل شده است(ضیایی‌پرور، ۱۳۸۷، ص۲۷۶).

**3- شبکه‌های اجتماعی**

شبکه‌های اجتماعی نوعی ارتباطات اینترنتی توسعه یافته هستند که از سال 2004 تا‌کنون پا به عرصه جهان مجازی نهاده‌اند. رسانه‌های اجتماعی شامل وبلاگ‌ها، میکروبلاگ‌ها، پادکست‌ها، ویدئوکست‌ها، ویکی‌ها، تالارهای گفت و گوی اینترنتی و غیره می‌باشند که توئیتر و فیس‌بوک و... از جمله آنها به شمار می‌روند. زبان جدید پدید آمده در این رسانه‌های اجتماعی دارای ویژگی خاصی چون: 1- اجتماع‌محوری؛ 2- تعامل دوسویه؛ و 3- تولید جمعی اطلاعات می‌باشند. این شبکه‌ها با تولید و بازخورد همزمان اخبار، گوی سبقت را از خبرگزاری‌ها و سایر رسانه‌های ‌سنتی ربوده‌اند. از جمله مهم‌ترین مزایای ابزارهای "وب دو" که در قالب شبکه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک، مای‌اسپیس و توئیتر وجود دارند، نقش قدرت بسیج عمومی این رسانه‌هاست که رفتارهای اجتماعی را در حوزه‌های مختلف از طریق ارتباطات الکترونیکی، به سوی تلاش جمعی که همانا ویژگی اصلی جامعه اطلاعاتی هزاره سوم است هدایت می‌کند. گاه تأخیر در تشخیص و عدم درک مناسب از کارآمدی این شبکه‌های اجتماعی چالش‌های امنیتی مختلفی را به دنبال دارد (محمدی‌نجم، 1388، ص101).

[**تلفن**](file:///K:\رسانه%20شخصی،%20رقیب%20رسانه%20جمعی_files\رسانه%20شخصی،%20رقیب%20رسانه%20جمعی.htm) **همراه و انقلاب‌ها**

یکی از مهم‌ترین ابزارهای نوین ‌ارتباطی و اطلاعاتی در عصر جهانی شدن که کاربردهای روزافزونی در میان خیل گسترده مردم جوامع امروز پیدا کرده، تلفن همراه است. تلفن همراه، به‌عنوان یک وسیله ارتباطی در ابتدا مانند تلفن ثابت، با این تفاوت که همیشه همراه انسان است، درنظر گرفته شده بود، اما تأثیرات نوع جدید تلفن‌های همراه که به نسل سوم معروفند، متفاوت بوده ‌است. افزایش تلفن‌های همراه و گوناگونی خدمات و تبلیغات وابسته به آن،‌ دگرگونی‌های اجتماعی گسترده‌ای را به‌وجود آورده‌است که به هیچ وجه در ابتدا پیش‌بینی‌پذیر نبود. با توجه به کارکردهای متنوع تلفن همراه، نظیر دوربین‌ عکاسی و فیلم‌برداری،‌ ارسال و دریافت پیام، سرعت انتقال پیام، امکان ارسال عکس و فیلم،‌ قابلیت ضبط، دریافت امواج رادیو و تلویزیون،‌ امکانات رایانه‌ای، اتصال به شبکه و...، امروزه، نقش تلفن همراه، از یک وسیله و ابزار ارتباطی ساده فراتر رفته و کارکردهای متنوع و گسترده‌ای را شامل می‌شود. در حقیقت رسانه‌های نو را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن امکاناتی که تلفن‌های همراه ما فراهم آورده‌اند، بررسی کرد. فناوری‌هایی که پس از ظهور وب دو در اینترنت شکل گرفته‌اند پیوند بین اینترنت و تلفن‌های همراه را به ‌خوبی برقرار کرده‌اند. سایت‌های اجتماعی به ‌راحتی می‌توانند مطالب وبلاگ شما را در همه مسنجرها، ایمیل‌ها و سایر وبلاگ‌ها و امروز توسط پیامک به تلفن‌های همراه ارسال کنند. این شیوه ارتباطات و اطلاع‌رسانی به تسریع انتشار اخبار کمک شایانی کرده است. ویژگی همراه بودن این تلفن‌ها در تمام طول روز که همواره می‌توان اخبار و اطلاعات را بر روی آن مشاهده کرد بر نفوذ این وسیله ارتباطی افزوده است (ذوالقدرنیا، 1389، صص98-99).

پیامک به‌عنوان یک ابزار نوین‌ ارتباطی تلفن‌های همراه، دارای کارکردهای گسترده‌ای در حوزه‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. با توجه به ویژگی این سیستم، از جمله سرعت انتقال، تنوع مطالب و ارزان بودن آن، می‌تواند به‌ راحتی در اختیار مخاطبان قرار گیرد. شاید بتوان یکی از بزرگ‌ترین کارکردهای پیامک را کارکرد سیاسی آن عنوان کرد. امروزه، سیستم پیام کوتاه به‌عنوان راهکارهای تازه، نظر طیف وسیعی از افراد جامعه، به‌ویژه جوانان و فعالان سیاسی را به خود جلب کرده‌ است. می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که پیامک به‌عنوان یک وسیله ارتباطی مدرن و نوظهور، می‌تواند به خوبی در نقش رسانه‌ای تأثیرگذار ظاهر شود و با کارکردهای مهم، همچون ایجاد ارتباط انسانی، پیام‌رسانی، سرعت ‌عمل، از آن در جهت اطلاع‌رسانی به‌موقع، سریع و تأثیرگذار در تمام زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... استفاده کرد. قابلیت‌های تلفن همراه بازیگران سیاسی را برآن داشت تا در فعالیت‌های خود از این وسیله استفاده کنند. به‌عنوان نمونه، در جریان انقلاب نارنجی اوکراین، موبایل به وسیله ارتباطی مؤثری در جهت‌دهی برنامه‌ها تبدیل شد(جمالی، 1388، ص41).

**2- جهت‌گیری رسانه‌ها در موج بیداری اسلامی**

با وقوع تحولات اخیر در کشورهای عربی، رسانه‌های مختلف مواضعی متفاوت را برگزیدند. عبدالله قصیر مدیر شبکه المنار لبنان در این زمینه معتقد است که "رویکرد شبکه‌های تلویزیونی منطقه خاورمیانه (در انعکاس کامل حقایق) درخصوص مسئله بیداری اسلامی متأثر از سیاست‌گذاران آنها متفاوت بود و در حال حاضر نیز روند پوشش اخبار و ارائه تحلیل‌ها از سوی این شبکه‌ها متفاوت است". این مسئله به طور مسلم با بی‌طرفی رسانه‌ای و رسالت رسانه‌ها تطابق ندارد. برای نمونه شبکه الجزیره که در تحولات تونس پیش‌رو‌ترین شبکه ماهواره‌ای محسوب می‌شد با انعکاس تصاویر خود‌سوزی محمد البوعزیزی‌ جوان ۲۶ ساله دست‌فروش تونسی (حادثه‌ای که سرآغاز خیزش‌های مردمی در منطقه بود) نقش به‌سزایی در آغاز و گسترش موج بیداری اسلامی داشت. این شبکه در اعتراضات مصر نیز به پوشش گسترده تحولات پرداخت و حتی در روزهای پنجشنبه و جمعه به‌طور اختصاصی تمامی برنامه‌های خود را به مصر و تحولات آن اختصاص داده بود (در همین حال معترضین در شهر قاهره و دیگر شهرها، پرده‌های بزرگی را برای نمایش مستقیم برنامه‌های شبکه الجزیره برپا کردند). همچنین این شبکه بررسی و روند نظارت بر وبلاگ‌ها و متن‌ها و فیلم‌های منتشر شده در توئیتر و فیس‌بوک را نیز افزایش داد. از جمله می‌توان به انتشار فیلم‌های زیرگرفتن چند نفر از معترضین توسط خودروی آتش‌نشانی و یک خودروی پلاک سیاسی اشاره کرد. این رسانه همچنین ایمیل و بخش ویژه‌ای را برای دریافت فیلم، نظرات و عکس از تظاهرات و حوادث مصر در سایت اینترنتی خود اختصاص داد(غبیشاوی، 1390). اما با گسترش این اعتراض‌ها به کشورهای حوزه خلیج فارس به ویژه بحرین، الجزیره کم‌کم رنگ باخت و نقش این شبکه کم‌رنگ شد و خط بطلانی بر این نگرش کشید که شبکه الجزیره "به وجودآورنده و سازنده انقلا‌ب‌ها" در جهان عرب است.

عملکرد شبکه العربیه در انعکاس انقلاب مردمی مصر متأثر از موضع‌گیری پادشاه عربستان بود و پس از حمایت ملک عبدا... از مبارک این شبکه به جای پوشش تظاهرات مردم در خیابان‌ها، تنها خیابان‌های خلوت و مراکز غارت شده را نشان می‌داد. سلیم عزوز روزنامه‌نگار روزنامه القدس العربی در این باره چنین نوشت: «رئیس‌جمهور سابق مصر حسنی‌مبارک از شبکه العربیه مهر و محبتی دیده است که طفل شیرخوار از مادر خود ندیده است».

نحوه برخورد رسانه‌های غربی با انقلاب‌های رنگی گرجستان و اوکراین که متحدان غرب را روی کار آورد و دو انقلاب در جهان عرب که علیه متحدان غرب (تونس، مصر) در جریان بود، کاملاً متفاوت بود، حرکت مردم تونس از ابتدا تا دو روز پیش از پیروزی با بی‌توجهی کامل رسانه‌های غربی مواجه شد. اما در مصر این رسانه‌ها از روز اول به اعتراض‌های مردم توجه کردند و بخش زیادی از ساعات پخش یا ستون‌های مطبوعات را به آن اختصاص دادند، اما به‌سرعت از دامنه این توجه کاسته شد، به‌طوری که بسیاری از رسانه‌های غربی این اعتراض‌های مردمی را حوادث و ناآرامی یا حداکثر خیزش مردمی توصیف کردند. "جان ریس" فعال ضد جنگ با انتقاد از عملکرد بی. بی. سی در پوشش خبری تحولات مصر گفت: «در حالی که بیش از یک میلیون تظاهر کننده در میدان تحریر قاهره تظاهرات کردند، بی. بی. سی تعداد مخالفان رژیم حسنی‌مبارک را ده هزار نفر اعلام کرد». وی گفت :«بی. بی. سی همچنین در تلاش است تا اخوان‌المسلمین را یک تهدید معرفی کند و جهانیان را بترساند در حالی که در مصر، اخوان‌المسلمین در کنار سوسیالیست‌ها، مسیحیان، اتحادیه‌های کارگری و کارمندی، علیه دشمن واقعی مردم مصر که رژیم مبارک است، مبارزه می‌کند». رسانه‌های غربی در حالی که نسبت به اخبار و رویدادهای کشوری چون بحرین راهبرد سانسور پیش گرفته بودند، در یک اقدام کاملا هدفمند و از پیش طراحی شده با برجسته‌سازی نقش حکومت سوریه در سرکوب شدید مخالفان این حکومت پرداختند (مرکز امور بین‌الملل صدا و سیما ).

**2- قدرت‌نماییِ رسانه‌های ‌نوین در موج بیداری اسلامی**

انقلاب‌های بی‌سابقه در کشورهای عربی صحنه ظهور و قدرت‌نمایی بی‌دلیل‌ رسانه‌های نوین هستند؛ رسانه‌هایی که پیش از این کسی فکر نمی‌کرد تا این اندازه پتانسیل قدرت‌نمایی و تأثیرگذاری داشته باشند و بتوانند ناممکن‌هایی را در حداقل زمان و انرژی به واقعیت تبدیل کنند.

موبایل‌های دوربین‌دار، شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت را می‌توان حلقه‌های زنجیره اطلاع‌رسانی دانست که با کنارهم قرار گرفتن آنها، قدرتی عظیم در اختیار معترضان ضددولتی در کشورهای عربی قرار گرفت البته تأثیر‌گذاری رسانه‌های نوین در دو بخش قابل تأمل و بررسی است: نخست، بلندمدت و دوم، کوتاه‌مدت. در بخش اول، این رسانه‌های نوین بودند که در گذر زمان و در بلند مدت باعث آگاهی توده‌های مردم نسبت به موضوعات مختلف پیرامون خود و وضعیت کشورشان و مقایسه آن با کشورهای همسایه و جهان شدند.

به‌طور قطع بجز رسانه‌های نوین، هیچ جایگزینی نمی‌توانست سطح آگاهی‌های بخش‌های مختلف مردم را تنها با بهره‌گیری از سیستم‌های سنتی مانند دانشگاه و مدرسه و کتاب و روزنامه، تا این میزان افزایش دهد و آنها را از واقعیت‌های مگو آگاه سازد. مردم این کشورها از سال‌ها پیش با ظهور رسانه‌های نوین، کم‌کم واقعیت شرایط کشورشان را دریافتند و روز‌ به‌روز بر آگاهی و اطلاعات‌شان افزوده شد. همین روند مردم را با جایگاه فعلی آنان و جایگاهی که باید باشند آشنا کرد تا به فکر راه چاره برای انتقال بین دو جایگاه بیفتند.

در بخش دوم، در حوزه تأثیرگذاری کوتاه‌مدت نیز این رسانه‌های نوین بودند که در زمان بروز اعتراض‌ها و انقلاب‌ها و کشمکش و مقابله با دولت‌ها و دیکتاتورها، نقش‌های عملیاتی متعددی را ایفا کردند. برای نمونه در همین کشورهای عربی کاربران اینترنت (که می‌توانند هر کدام از تک‌تک مردم عادی باشند) در قامت یک فعال سیاسی، یک حزب و حتی یک رهبر ظهور کردند و در سایت‌های تعامل اجتماعی مانند فیس‌بوک و توئیتر، برای برگزاری تجمع و روز خشم، فراخوان صادر کردند و درباره چگونگی و کیفیت این فراخوان و برگزاری آن به گفت‌ و گو و تبادل نظر پرداختند و پس از تجمعات و درگیری‌ها با انتشار خبر و عکس و فیلم ضبط شده به‌وسیله دوربین‌های موبایل در سایت‌ها و وبلاگ‌ها اطلاعات بسیاری را در اختیار مردم خود و سایر کشورها قرار دادند .به بیان دیگر، اگر در رسانه‌های سنتی مانند روزنامه‌ها، اطلاع‌رسانی جاده‌ای یک‌طرفه بود که مسیر آن از سمت رسانه به سوی مردم است، در رسانه‌های جدید، مردم برای نشر خبر، منتظر خبرنگاران نمی‌مانند و خود به عاملی برای انتشار سریع اخبار تبدیل می‌شوند. رسانه‌های ‌نوین، اعم از سایت‌ها، وبلاگ‌ها، شبکه‌های اجتماعی و ماهواره‌ها به‌عنوان پادزهری برای دروغ‌ها و اتهام‌زنی‌های دولت‌های عربی عمل کردند و معلوم ساختند که برخلاف گفته دولت‌های دیکتاتور، معترضان در تونس اقلیتی تروریست نیستند و در مصر عده‌ای معدود که می‌خواهند کشور را ناامن و بی‌ثبات کنند وجود ندارند.

از سوی دیگر، رسانه‌های نوین با ارائه سریع اخبار و اطلاعات به بقیه کشورهای عربی، مردم آن ممالک را نیز تشویق کردند که می‌توانند علیه دیکتاتورهای کشورهایشان قیام کنند و پیروز شوند. به‌بیان دیگر، رسانه‌های نوین، نه‌تنها به مردم آگاهی دادند، بلکه به آنان امید هم تزریق کردند و شاید اگر این امید به پیروزی نبود، مردم کشورهای عربی پس از سال‌ها سکوت و انفعال، این‌گونه قیام نمی‌کردند (غبیشاوی، 1390).

نقش رسانه‌ها و به‌خصوص رسانه‌های نوین در پیروزی انقلاب‌های مورد مطالعه به حدی برجسته است که الجزیره در گزارشی از یک ساختمان که عده‌ای در آن مشغول انجام فعالیت‌های مجازی و اینترنتی هستند به‌عنوان"مقر اصلی و محرک انقلاب لیبی" نام می‌برد و می‌نویسد: «بخش عمده اطلاعاتي كه در هفته‌هاي اخير از انقلاب ليبي به دس[ت رسانه](http://tebyan-zn.ir/tags/%d8%b1%d8%b3%d8%a7%d9%86%d9%87.html)‌هاي غربي رسيد از ارتباطات تلفنی، ايميل‌ها و پيام‌هايي بود كه طي هفته‌هاي اخير از داخل ليبي انتشار يافت كه البته عمدتاً ناقص يا اغراق‌آميز بودند». پیش از این نیز خبرگزاری رویترز، در گزارشی پیرامون انقلاب مصر، انقلاب مردم این کشور را انقلاب فیس‌بوکی نامیده بود(سایت تبیان) و برخي نیز انقلاب تونس را انقلاب رسانه‌اي ناميده‌اند (خبرگزاری جمهوری‌اسلامی).

"پالوما هاچكه"، دانشجوي دوره دكترا در دانشگاه مطالعات سياسي پاريس، در مقاله‌اي كه در پايگاه اينترنتي مركز مطالعات بين‌المللي فرانسه، وابسته به مركز آمار و مطالعات ملي فرانسه منتشر شده است، ضمن اشاره به نقش شبكه‌هاي تلويزيوني و اجتماعي در بیداری اسلامی نوشت: «وبلاگ‌ها عملاً به رسانه‌هاي جمعي تأثيرگذار در صحنه عمومي زندگي مصر تبديل شدند. آنها بجز انتشار اخبار، به بسيج معترضان و يك‌شكل‌سازي مطالبات آنها اقدام و نقشي تعيين‌كننده در گسترش امواج انقلابي در كشورهاي عربي ايفا كردند. شبكه‌هاي اجتماعي در اينترنت و تركيب آن با شبكه‌هاي تلويزيوني ماهواره‌اي نوعي فعاليت سايبري و خبرنگاري شهروندي را شكل داد كه هدف آن بهره‌گیری از فناوري‌هاي اطلاعاتي پيشرفته براي دفاع از اهداف و مطالبات سياسي است. واقعيت اين است كه خارج از فضاي مجازي چنين اقدامي در این كشورهاي ناممكن مي‌نمود». وب تأکید دارد که: «رسانه‌هاي جديد در حوزه عربي همچنين به محلي براي توليد انديشه و بحث‌هاي سياسي و اجتماعي در كشورهاي منطقه تبديل شده است. اين شرايط به فعالان سياسي‌اي كه تاكنون به دليل سازماندهي سنتي فضاي رسانه‌اي اين كشورها در انزوا قرار داشتند، اجازه مي‌دهد به ميانه صحنه بيايند و خودشان را با طيف گسترده‌اي از مخاطبان در ارتباط قرار دهند». او با اشاره به تحقيقات امريكايي درباره ميزان تأثيرگذاري فضاي رسانه‌اي جديد عربي بر تحولات اين منطقه نوشت: در پايان تابستان ۲۰۱۱، در چارچوب طرحي تحت عنوان " فناوري اطلاعات و اسلام سياسي"، گروهي از محققان دانشگاه واشنگتن، به مطالعه بر روي سه ميليون پيام كوتاه توييتي (پيام‌هايي كه روي توئيتر نوشته شدند) تصاوير ارسالي بر روي يوتيوب و نوشته‌هاي وبلاگ‌هاي ديگر پرداختند تا از ميزان تأثيرگذاري اينترنت و رسانه‌هاي اجتماعي مانند توئيتر و فيس‌بوك بر قیام در آن کشورها با خبر شوند. سؤال محققان اين بود كه آيا اين شبكه‌ها را مي‌توان بخشي از عناصر انقلابي تلقي كرد. اين تحقيق نشان داد كه در كشورهاي تونس و مصر، مبادلات اين‌گونه پيام‌ها بر روي اينترنت اغلب پیش از شروع تجمعات و اعتراض‌های خياباني به اوج رسيده است. اين رسانه‌ها همچنين به مردم اجازه دادند تصاوير و فيلم‌هايشان را همزمان با تظاهرات با هم مبادله كنند. بر اساس تحقيق امريكايي‌ها اين نوع انتشار اطلاعات و مبادله آنها اجازه داد تا كشورهاي همسايه نيز از آن براي گسترش موج انقلابي در سرتا‌سر منطقه بهره بگيرند. طي هفته پیش از خروج حسني‌مبارك از قدرت در مصر، تعداد توييت‌هاي با مضمون تغيير سياسي در مصر ده برابر قبل شده بود. از سوي ديگر، در اين هفته بيش از پنج‌ونيم ميليون نفر تصاوير تظاهرات را در يوتيوب ديده بودند. همچنين حجم مطالب ارسالي به شبكه‌هاي فيس‌بوك يا در وبلاگ‌هاي سياسي ديگر از سوي مخالفان سياسي افزايش بي‌سابقه‌اي داشته است. اين آمار و ارقام از تواناييِ رسانه‌هاي اجتماعي در ايجاد شبكه‌هاي ارتباطي با هدف تسهيل تجمعات واقعي و نه مجازي حكايت دارد و اينكه اين شبكه‌ها مي‌توانند افراد را با عقايد و ديدگاه‌هاي مختلف و از اقشار گوناگون كنار هم قرار دهند و آنها را براي دستيابي به يك هدف واحد بسيج كنند. به نظر وی، با اين حال نبايد بیداری اسلامی را انقلاب فيس‌بوك يا توئيتر قلمداد كرد. شبكه‌هاي اجتماعي به خودي خود نمي‌توانند به‌عنوان سازمان‌هاي عامل تلقي شوند بلكه ابزاری قدرتمند براي تبادل اطلاعات هستند و ميزان تأثيرگذاري آنها به نوع كاربرانشان بستگي دارد. رسانه‌های سنتی با ابراز ناتواني در انعكاس صداهاي مختلف و گاه متضاد در جهان عرب (به‌خاطر سیاست‌گذاری و منافع صاحبان آنها)، از فضاي رسانه‌اي جديد حوزه عربي عقب مانده است. اينترنت و شبكه‌هاي اجتماعي از اين پس به منبع اصلي اطلاع‌رساني در جهان عرب تبديل شده‌اند.

**نتیجه‌گیری**

این ادعا درست نیست که عامل اصلی انقلاب‌های اخیر در تونس، مصر، لیبی، بحرین و سایر نقاط دنیا را اینترنت، موبایل و پایگاه‌های مجازی تشکیل می‌دهد. واقعیت این است که این فقدان مشروعیت، زورگویی و بی‌رحمی سیستم‌های سیاسی و اقتصادی است که باعث فروپاشی آنها می‌شود. با وجود این شرایط است که رسانه‌ها می‌توانند بسیج عمومی را تقویت کرده و به رهبری و موفقیت جنبش‌ها کمک کنند. در حقیقت می‌توان گفت، اگر رسانه‌های نوین نبودند سرعت گسترش و پیروزی انقلاب‌های مورد مطالعه کند می‌شد و حتی صدای آنها با این وضوح در دیگر کشورها شنیده نمی‌شد و هیچ‌گاه روند اعتراض پس از آغاز در تونس با این سرعت و دومینووار به دیگر کشورها نمی‌رسید و زمامدارانی چون بن‌علی، حسنی‌مبارک و قذافی سقوط نمی‌کرد و سران کشورهای یمن، اردن، بحرین، عربستان، الجزایر و عمان را نسبت به آینده خود تا این حد بد‌‌‌‌‌بین و مشوش نمی‌ساخت.  
رسانه، ابزار قدرت است و این ابزار گران‌قیمت و تأثیرگذار تاکنون در اختیار قدرتمندان و افراد ذی‌نفوذ و حکومت‌ها بوده است، اما هم‌اکنون به مدد رسانه‌های‌ نوین و ارزان و در نتیجه افزایش گسترده دسترسی مردم به رسانه‌ها، دیگر دولت‌ها کنترل و سلطه مطلق رسانه‌ای بر مردم و افکار عمومی کشور خود را از دست داده‌اند البته این به آن معنی نیست که رسانه‌های‌ نوین کاملاً از دامنه کنترل و نفوذ قدرت‌ها و دولت‌ها خارج شده و به‌عنوان یک رسانه کاملاً بی‌طرف به انعکاس کامل وقایع و خواسته‌های کاربران می‌پردازند؛ بلکه به واقعیت نزدیک‌تر است که بگوییم این رسانه‌ها با آگاه‌سازی، اطلاع‌رسانی و سازماندهی مردم، دولت‌های حاکم را به چالش کشیده‌اند؛ دامنه این چالش بسته به میزان دمکراتیک یا اقتدارگرا بودن دولت‌ها می‌تواند از یک تجمع صنفی تا اعتراض‌های خشونت‌آمیز و انقلاب را فراگیرد. همچنین این رسانه‌ها با داشتن قابلیت‌هایی چون اطلاع‌رسانیِ هم‌زمان، تعامل دوطرفه با مخاطبان و انعکاس اخبار فارغ از محدودیت‌ها و اعمال فشار حکومت‌های مرکزی، نفوذ، تأثیرگذاری و جذب مخاطب رسانه‌های سنتی را به چالش کشیده‌اند، امّا همچنان از دخالت‌ها و اعمال نفوذ صاحبان و گردانندگان خود تهدید می‌شود برای نمونه، مدیران فیس‌بوک صفحه‌ای مربوط به شیعیان را که نزدیک به 100 هزار عضو داشت به دلیل انتشار چند خبر درباره بحرین حذف کردند. همچنین صفحه‏ای که در آن برخی از جوانان فلسطینی خواستار آغاز انتفاضه سوم شده بودند، از این شبکه اجتماعی حذف شد. این صفحه که دارای ۵۰۰ هزار طرفدار بود از سوی مقامات فیس‌بوک بسته شد، زیرا مقامات رژیم صهیونیستی در ارسال نامه‌ای به مارک زوکربرگ، از بنیان‌گذار فیس‌بوک، خواسته بودند این صفحه مسدود شود.( تارنمای فارس، 901290482 )

با وجود وضعیت کنونی این رسانه‌ها، طرفی قدرتمندتر خواهد بود که محصولات رسانه‌ای جذاب‌تری منتشر کند هرچند این محصول رسانه‌ای فیلمی لرزان و بی‌کیفیت از تیراندازی نیروهای دولتی به طرف معترضین در یکی از خیابان‌های قاهره باشد که به‌وسیله گوشی موبایل ساده فردی عادی ضبط شده و در سایت‌ها منتشر شده باشد. به‌یقین این فیلم به مراتب جذاب‌تر، پر‌ مخاطب‌تر و تأثیرگذار‌تر از فیلم با کیفیت بالا از مصاحبه فلان مقام حکومت دیکتاتوری مصر یا لیبی یا یمن و بحرین است که از تلویزیون سراسری دولتی پخش می‌شود.

اکنون همۀ دولت‌های دنیا، با قدرت‌نمایی بی‌سابقه رسانه‌ها و به‌خصوص رسانه‌های نوین، ناگزیرند نسبت خود با رسانه را بازتعریف کنند و برای قوام و دوام نظامات سیاسی خویش، نگاهی تعاملی‌تر نسبت به رسانه داشته باشند، چه آنکه اگر تا دیروز رسانه به چهار عنوان روزنامه و دو خبرگزاری و یک شبکه رادیویی و تلویزیونی قابل کنترل و مهار محدود می‌شد، امروز هر شهروندی می‌تواند خبرنگار رسانه شخصی خود باشد و حتی مخاطبان میلیونی هم کسب کند. از این منظر و با توجه به پیشرفت سریع فناوری و تجاربی چون استفاده مخالفان از اینترنت چمدانی و موبایل‌های ماهواره‌ای و.... در انقلاب‌های مورد مطالعه، به نظر می‌رسد در آینده اقداماتی چون ایجاد محدودیت دسترسی به این رسانه‌ها موثر نباشد و استفاده از راهکارهای برنامه‌ریزی‌شده‌تر و دقیق‌تری چون مقابله به مثل نرم‌افزاری در محیط رسانه‌های نوین ضروری باشد.

**منابع**

در نسخه چاپی فصلنامه موجود است.

1. -عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین(ع) [↑](#footnote-ref-1)
2. -دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مدیریت بحران دانشگاه جامع امام حسین(ع) [↑](#footnote-ref-2)
3. sms [↑](#footnote-ref-3)